

پژوهش‌های حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۶

هزار و سیصد و نود و هفت - زمستان

- | | |
|-----|---|
| ۷ | رعایت اصل رقابت در انعقاد قراردادهای اداری
دکتر حسن ناعمه |
| ۳۷ | تروریسم دولتی: پندار یا واقعیت؟!
نواب محمدی ده چشمه |
| ۶۹ | مطالعه تطبیقی معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق ایران و انگلستان
محسن جعفری بهزادکلانی - دکتر حمید ابهری |
| ۸۷ | رعایت الزامات حقوقی و قانونی در قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C)
مهدی حقیقیان - دکتر علیرضا ابراهیم‌گل |
| ۱۰۷ | حقوق ایران نسبت به نقاط مداری از دیدگاه حقوق بین‌الملل
فرناز فروتنیان شهربابکی - دکتر فاطمه فتح‌پور |
| ۱۳۳ | جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در میان منابع حقوق بین‌الملل
جمشید مظاهری |
| ۱۵۹ | آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری
محمد علیپور |
| ۱۸۹ | واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران
دکتر محمدباقر مقدسی - دکتر محمد فرجیها |
| ۲۱۱ | تعویق صدور حکم و آثار آن
محمدجواد علیزاده گودرزی - دکتر ابوالفتح خالقی |
| ۲۳۷ | نقش بیوتکنولوژی در برآورده شدن حق انسان‌ها بر تغذیه
سیده کیانا بنی‌کمالی |
| ۲۵۵ | جنایات جنگی سایبری
نگارنده: دیوید فیدلر - ترجمه: امین زحمتکش |





رعایت الزامات حقوقی و قانونی در قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C)

مهدی حقیقیان* - دکتر علیرضا ابراهیم گل**

چکیده:

قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C) با هدف اولیه ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاری در میادین نفتی، تشویق شرکت‌های معتبر جهت ورود به صنایع نفتی ایران، افزایش توانایی رقابت با نمونه قراردادهای کشورهای رقیب و افزایش سطح تولید در عین رعایت تولید صیانتی تدوین و ارائه شد. یکی از موضوعات مهم در تدوین این قراردادها، تطابق آن با الزامات حقوقی و قانونی داخلی است. به صورت کلی قوانین، قواعد و الزامات قانونی مختلفی بر صنایع نفت و گاز ایران حاکم است. بخشی از این الزامات گرفته شده از فقه، بخشی مستنبط از الزامات قانونی اساسی و الباقی مبتنی بر قوانین عادی مصوب مجلس است. علاوه بر آن الزاماتی در این صنعت وجود دارد که گرچه حداقل در حال حاضر متکی به مصوبات مجلس نیست اما به دلیل الزامات منافع ملی و یا سابقه قراردادهای ایران تبدیل به قواعد حقوقی شده‌اند. رعایت الزامات و تطبیق مفاد قراردادهای جدید با قوانین و مقررات داخلی اهمیت بالایی دارد که این پژوهش به دنبال بررسی آنان در قراردادهای جدید نفتی ایران است.

کلیدواژه‌ها:

قراردادهای نفتی، الزامات قانونی، مصوبه هیئت وزیران، I.P.C، قانون اساسی.

مقدمه

صنعت نفت و گاز ایران از بدو پیدایش اولین قطره نفت در مسجدسلیمان جزء مهم‌ترین، اصلی‌ترین و حساس‌ترین ارکان صنایع کشور بوده بنابراین قانونگذاری و سیاست‌گذاری در صنایع نفت و گاز اعم از بالادستی و پایین‌دستی، همواره موردتوجه جدی قانونگذار ایرانی بوده است. در گذشته، شیوه قانونگذاری نفتی ایران بدین‌شکل بوده که برای هر نمونه قرارداد، قانون خاصی تدوین می‌شد که چارچوب اصلی و شرایط اساسی یک مدل قراردادی را تعیین و مشخص می‌کرد. به‌عنوان مثال اولین نمونه قرارداد مدرن نفتی ایران بر مبنای قواعد و الزاماتی تنظیم شد که در قانون نفت ۱۳۳۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود. لازم به ذکر است قبل از آن در سال ۱۳۱۲ اولین قرارداد امتیازی منعقد می‌شود که با مصوبه مجلس وقت، تبدیل به قانون می‌شود. این قرارداد غیر از قراردادی بود که در سال ۱۲۸۰ ه.ش میان ویلیام ناکس داری و دولت قاجار منعقد شده بود که مصوبه مجلس را به همراه نداشت. بعدها در سال ۱۳۳۳ قرارداد کنسرسیوم نیز منعقد که با تصویب مجلس تبدیل به قانون شد. در واقع در شیوه اسبق، ابتدا قراردادی میان دولت ایران و طرف مقابل منعقد می‌شد که با تصویب بعدی مجلس تبدیل به قانون لازم‌الاجرا می‌شد.

اولین بار قانون نفت ۱۳۳۶ به تعیین چارچوب قراردادی پرداخت. در واقع این قانون به‌صورت کلی شروط، الزامات و قواعدی را تعیین کرد که قراردادهای نفتی آن زمان ایران باید با رعایت مفاد آن تنظیم می‌شدند. در سال ۱۳۵۳ قانون نفت تغییر می‌کند که می‌توان آن را کامل‌ترین قانون نفتی ایران دانست زیرا به‌صورت دقیق کلیه جزئیات لازم در مورد قراردادهای نفتی را پیش‌بینی و تعیین کرده بود. این قانون قراردادهای مشارکتی را لغو و در عوض آن چارچوب جدیدی از قراردادهای خدماتی را جایگزین قراردادهای پیشین کرد. در سال ۱۳۶۶ قانون نفت مجدداً تغییر می‌کند اما برخلاف قانون سلف خود قانونی کلی^۱ بود که صرفاً به کلیات پرداخته و از بیان جزئیات خودداری کرده بود. این قانون نیز الگویی از قراردادهای خدماتی را با شروط و الزاماتی خاص پیش‌بینی کرده بود که در سال ۱۳۷۲ مفهوم بیع متقابل از آن استخراج شد.^۲ در سال ۱۳۹۰ قانون نفت ۱۳۶۶ مورد بازبینی و اصلاح قرار

۱. شیروی، حقوق نفت و گاز، ۱۴۹.

۲. شیروی و ابراهیمی، «اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل»، ۲۴۸.

می‌گیرد، گرچه این قانون به بیان جزئیات بیشتری پرداخته اما به نظر می‌رسد همچنان کلی است و جامعیت لازم را ندارد.

به‌صورت کلی برخلاف گذشته که قراردادهای نفتی در قالب قانون پیش‌بینی و الزامات و شروط آن در همان قانون مربوطه مشخص می‌شدند، پس از انقلاب این شیوه مورد استفاده قرار نگرفت و در عوض آن مجموعه قوانین مختلفی در صنعت نفت وضع شدند که هرکدام الزامات و شرایطی را بر این صنعت بار می‌کنند. امروزه مهم‌ترین قوانین و الزامات مؤثر در صنایع بالادستی نفت ایران عبارتند از: قانون نفت ۱۳۶۶ و اصلاحی ۱۳۹۰، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، قانون جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و ... البته علاوه بر مجموع قوانین مدون مصوب مجلس، الزامات فقهی نیز به‌واسطه انفال بودن معادن نفتی، اثراتی را در ساختار حقوقی این صنعت ایجاد کرده که متخصصین نفتی مکلف به تبعیت از آنان هستند.

قبل از ورود به موضوع اصلی لازم به توضیح است بیع متقابل به‌عنوان نمونه قرارداد اصلی ایران برای نزدیک به دو دهه توانسته بود منافع کشور را تأمین کند. با این حال انتقادات وارده بر بیع متقابل و همچنین استفاده کشورهای رقیب از نمونه قراردادهای جذاب‌تر، باعث شد تا بیع متقابل قابلیت رقابت خود را از دست بدهد. به همین دلیل وزارت نفت در سال ۱۳۹۲ با رونمایی از مدل جدید قراردادی صفحه جدیدی را در حقوق قراردادهای نفتی باز کرد. هیئت وزیران در ۱۳۹۴/۰۸/۱۱ مصوبه‌ای در مورد شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز تدوین می‌کند، متعاقباً در ۱۳۹۵/۰۵/۱۶ این مصوبه مورد اصلاح کلی قرار می‌گیرد.^۳ تدوین و تعیین ساختار کلی و اصلی قراردادهای جدید نفت ایران در این مصوبه انجام گرفت، بدین ترتیب قراردادهای جدید باید در محدوده و ساختاری تنظیم و منعقد شوند که این مصوبه حدود آن را تعیین کرده، نقشی مشابه قانون نفت ۱۳۵۳. با این حال از منظر حقوقی مصوبه هیئت وزیران قانون محسوب نمی‌شود، بنابراین باید با بررسی الزامات و قوانین جاری کشور، انطباق مصوبه هیئت وزیران و به تبع آن قراردادهای آ.ی. پی. سی با قوانین و الزامات قانونی کشور را مورد بررسی و تدقیق قرار داد. بر مبنای قوانین داخلی الزامات مختلفی بر صنایع نفتی حکم فرماست که در ادامه ضمن بیان آنان، تطبیق آن با قراردادهای جدید بررسی می‌شود.

۱- مالکیت و حاکمیت

بر مبنای فقه شیعه مخازن نفت و گازی زیرمجموعه معادن^۴ و معادن نیز جزئی از انفال است. انفال بودن مخازن نفتی دارای اثرات حقوقی است از جمله آنکه انفال طبق اصل ۴۵ قانون اساسی^۵ در اختیار حاکمیت اسلامی است، بنابراین به هیچ عنوان نمی‌توان مالکیت انفال را به دیگری انتقال داد. از طرف دیگر ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و همچنین ماده ۱۷ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰، صراحتاً اعمال حق «مالکیت و حاکمیت» بر ذخایر نفت و گازی را از طرف حاکمیت اسلامی برعهده وزارت نفت گذاشته؛ بنابراین طبق قوانین ایران مطلقاً نمی‌توان مالکیت نفت درجا، مخزن و نفت سرچاه را به دیگری انتقال داد و یا نسبت به آنان با دیگری شریک شد. البته این موضوع نافی انعقاد قراردادهای تجاری و انتقال مالکیت از طریق قراردادهای فروش نیست. الزام فوق در قراردادهای جدید نفتی ایران در بند الف ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران در مورد چارچوب اصلی قرارداد آی. پی. سی، صراحتاً با عباراتی مشابه قوانین فوق‌الذکر مورد اشاره قرار گرفته و مالکیت و حاکمیت از طرف جمهوری اسلامی ایران برعهده وزارت نفت گذاشته شده، مضافاً بند ۱۱ ماده ۱۱ همین مصوبه به صورت مطلق کلیه محصولات و مواد تولیدی از مخازن، اعم از نفت و گاز را منحصراً متعلق به کارفرمای ایرانی می‌داند.^۶ منظور از کارفرما در این مصوبه طبق بند ۱ ماده ۱، شرکت ملی نفت است که این شرکت نیز بنابر ماده ۱۸ قانون نفت ۱۳۹۰ جزء شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت تعریف شده؛ بنابراین در قرارداد آی. پی. سی امکان انتقال مالکیت، حاکمیت و همچنین شراکت نسبت به مخازن نفت و گاز و تولیدات میدان وجود ندارد و تمامی محصولات صرفاً متعلق به شرکت ملی نفت ایران است.

۴. امانی، حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت، ۳۹.

۵. «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

۶. «نفت، گاز یا میعانات گازی و دیگر مواد موجود در مخازن موضوع قرارداد کلاً متعلق به جمهوری اسلامی ایران و نفت، گاز یا میعانات گازی و نیز هرگونه فرآورده جانبی حاصله از تولید کلاً متعلق به کارفرما می‌باشد.»

۲- مشارکت در عملیات نفتی

همان‌طور که عنوان شد به سبب انفال بودن مخازن نفتی، امکان انتقال مالکیت آنان در هیچ حالتی اعم از مشارکت و غیر آن امکان‌پذیر نیست. اساساً به همین دلیل است که امکان انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید در ساختار حقوقی ایران مهیا نیست، زیرا در قراردادهای مشارکت در تولید پیمانکار برای طول دوره قراردادی نسبت به بخشی از تولید^۷ حق پیدا کرده و کارفرما موظف است پس از کسر نفت هزینه^۸ الباقی را به‌عنوان سهم و سود عملیات بین خود و شرکت نفتی تقسیم کند. این در حالی است که بخش ۳ بند ۱۱ ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی با این پیش‌شرط که مالکیت مخازن نفت و گاز به دیگری منتقل نشود را از جمله وظایف وزارت نفت قرار داده. در رفع تعارض شکل‌گرفته می‌توان عنوان کرد هر قرارداد مشارکتی، مشارکت در تولید^۹ نیست، مثلاً در قراردادهای مشارکت در عملیات، طرفین قرارداد در اجرای عملیات نفتی مشارکت دارند ولی این مشارکت سهمی از تولیدات برای پیمانکار به همراه ندارد؛ بنابراین منطبق با قوانین داخلی می‌توان قرارداد مشارکتی تنظیم کرد که منجر به انتقال مالکیت نشده و سهمی در تولیدات برای پیمانکار ایجاد نکند. مستنبط از همین شرایط است که طراحان قراردادهای جدید نوعی مشارکت در نمونه قرارداد جدید ایجاد کردند. در قرارداد جدید، شرکت خارجی موظف است به‌منظور انتقال فناوری و تکنولوژی به طرف ایرانی، با شرکت‌هایی که صلاحیت آنان توسط وزارت نفت تأیید شده شراکت کنند.^{۱۰} با مدنظر قرار دادن شرایط و مختصات قراردادهای مشارکت در تولید و مقایسه آن با مشخصات قراردادهای جدید نفتی و الزامات قوانین داخلی ایران به نظر می‌رسد مشارکت موجود در قرارداد تناقض و تعارضی با الزامات داخلی ایران ندارد. در مشارکت پیش‌بینی شده در آی. پی. سی اولاً تمام عملیات نفتی از ابتدا تا انتها به نام و برای کارفرمای ایرانی خواهد بود، بنابراین مالکیت کلیه تجهیزات، اموال، کالاها و تمامی تجهیزات تحت‌الارضی و سطح‌الارضی از ابتدای عملیات تا پایان آن متعلق به دولت ایران است.^{۱۱} از طرف دیگر بازپرداخت کلیه هزینه‌های انجام‌شده توسط پیمانکار، اعم از هزینه‌های مستقیم و

7. Profit Oil.

8. Cost Oil.

9. Production Sharing Agreement.

۱۰. نک: ماده ۴ مصوبه هیئت وزیران.

۱۱. نک: بند ۳ ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران.

غیرمستقیم و همچنین پرداخت سود نیز به دو شیوه صورت می‌گیرد یا بخشی از محصولات تولیدی از همان میدان منطبق با قیمت جهانی بازار در اختیار پیمانکار قرار می‌گیرد تا هزینه‌ها تسویه شود و یا اینکه کارفرمای ایرانی رأساً محصولات تولیدی را به فروش می‌رساند و از عواید حاصل از فروش هزینه‌های پیمانکار را تسویه می‌کند، تشخیص اینکه کدام یکی از روش‌های فوق مورداستفاده قرار بگیرد با کارفرمای ایرانی است و طرف مقابل در صورت موظف به پذیرش روش انتخابی شرکت ملی نفت است.^{۱۲} همان‌طور که از این شروط مشخص است مشارکت موجود در آی. پی. سی عناصر اصلی قراردادهای مشارکت در تولید همانند نفت سود و نفت هزینه را ندارد و هیچ سهمی برای پیمانکار از تولیدات ایجاد نمی‌کند بنابراین به نظر می‌رسد این مشارکت ناقض الزامات قانونی ایران نباشد.

۳- مدیریت

یکی از مهم‌ترین قوانین بالادستی کشور، قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ است که در مرداد ۱۳۸۷ با تجویز مقام رهبری به تصویب مجلس رسید. این قانون، اقتصاد کشور را به سه بخش تقسیم می‌کند، خصوصی، دولتی و بخشی که با شرایط مشخصی هر دو گروه خصوصی و دولتی مجازند در آن فعالیت کنند. ماده ۲ این قانون بخش دولتی را احصاء کرده که معادن نفت و گاز در این بخش قرار دارند و بنابر بند ج ماده ۳ صراحتاً هر نوع «سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت» بخش خصوصی در این بخش ممنوع شده است. حال آیا تعارضی میان قراردادهای جدید نفتی و قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ وجود دارد؟ در مورد مالکیت پیشاپیش توضیح داده شد، اما موضوع آنجاست که بند ۸ ماده ۸ مصوبه هیئت وزیران، طرفین قرارداد را مکلف کرده تا در مورد موضوعات قراردادی «کارگروه مشترک مدیریت» تشکیل دهند.^{۱۳} این کارگروه وظایفی مهم و اساسی برعهده دارد و بر کلیه عملیات نفتی موضوع قرارداد نظارت کامل دارد، همچنین تصمیم‌گیری در مورد کلیه امور

۱۲. نک: بند پ ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران.

۱۳. در هر قرارداد کارگروه مشترک مدیریت قرارداد تشکیل می‌شود که نظارت بر کلیه عملیات طرح را برعهده داشته و تصمیمات فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد، واگذاری پیمان‌های دست‌دوم و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه را اتخاذ می‌نماید. مسئولیت اجرای عملیات در چارچوب برنامه مالی عملیاتی مصوب برعهده طرف دوم قرارداد می‌باشد. این کارگروه از تعداد مساوی نمایندگان طرف‌های اول و دوم قرارداد با حق رأی مساوی تشکیل می‌گردد. تصمیمات این کارگروه به اتفاق آراء می‌باشد و باید به تأیید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران برسد.

فنی، مالی و حقوقی قرارداد کلاً برعهده همین کارگروه مدیریتی قرار داده شده. تعداد نمایندگان در این کارگروه به نسبت مساوی میان طرفین تقسیم شده، به عبارتی نمایندگان کارفرمای ایرانی و پیمانکار خارجی به تعداد مساوی در این کارگروه حضور دارند که از حق رأی یکسانی نیز برخوردارند. ملاک تصویب هر موضوع در این کارگروه نیز اتفاق آراء است. این مسئله باعث شده عده‌ای معتقد باشند تشکیل چنین کارگروهی خلاف قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ است زیرا ورود بخش خصوصی در قالب مدیریتی به بخش بالادستی مطلقاً ممنوع است.

با نگاهی به مفهوم مدیریت در قانون سیاست‌های اجرایی و همچنین الزامات حاکم بر کارگروه مدیریتی که در مصوبه هیئت وزیران تعیین شده، می‌توان نتیجه گرفت تشکیل این کارگروه تضادی با مفاد قانون سیاست‌های اجرایی ندارد. اولاً، به نظر می‌رسد منظور از مدیریت در قانون فوق‌الذکر، مدیریتی است که منجر به تسلط و تصمیم‌گیری مستقیم و مؤثر بخش خصوصی در صنایع بالادستی شود؛ دوماً، با تدقیق در سطح اختیارات این کارگروه مشخص می‌شود اختیارات این گروه محدود به امور اجرایی و صرفاً در چارچوب چگونگی اجرای عملیات نفتی است زیرا به صراحت قسمت اخیر ماده فوق‌الذکر کلیه تصمیمات این کارگروه باید به تأیید مقام صلاحیت‌دار در شرکت ملی نفت ایران برسد. گرچه این ماده مقام صلاحیت‌دار را مشخص نکرده اما درج چنین شرطی نشان می‌دهد مدیریت همچنان با کارفرمای ایرانی است، زیرا منوط کردن اجرای تصمیمات به تأیید بعدی شرکت ملی نفت بدین معناست که شرکت ملی می‌تواند بنابر تشخیص خود تصمیمات اتخاذشده این کارگروه را رد کرده و نپذیرد. البته جای این نکته در مصوبه خالی است که اولاً، در صورت اختلاف در آراء، تصمیم‌گیری در مورد موضوع اختلافی به چه طریقی صورت بگیرد؛ دوماً، در صورت رد تصمیمات کارگروه روند تصمیم‌گیری جدید چگونه است.

۴- تولید صیانتی

تولید صیانتی مفهومی فنی است که به دفعات در قوانین مختلف ایران مورد اشاره قرار گرفته لذا نشان از اهمیت آن برای کارفرمای ایرانی دارد. بند ۷ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰ تولید صیانتی را «کلیه عملیاتی که منجر به برداشت بهینه و حداکثری ارزش اقتصادی تولید از منابع نفتی کشور در طول عمر منابع مذکور می‌شود و باعث جلوگیری از اتلاف ذخایر در چرخه تولید نفت بر اساس سیاست‌های مصوب می‌گردد» تعریف می‌کند. تولید صیانتی

بدین معناست که متناسب با مختصات و مشخصات مخزن بیشترین میزان تولید از مخزن را داشت با این شرط که به مخزن و طول عمر آن کمترین آسیب ممکن برسد. در واقع برداشت بهینه در خلال عمر مخزن همان تولید صیانتی است.^{۱۴} بنابر قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰ فعالیت‌های مرتبط با تولید صیانتی جزئی از بخش بالادستی محسوب شده از طرفی لزوم رعایت تولید صیانتی نیز به دفعات در قوانین مختلف مورد اشاره قرار گرفته. اولین بار در بند ب ماده ۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه سپس در بند ب ماده ۱۲۹ برنامه پنجم توسعه و بعدها در بند ث ماده ۴۸ قانون برنامه ششم پنج‌ساله توسعه، وزارت نفت مکلف به رعایت تولید صیانتی در عملیات نفتی شد. مشابه چنین الزامی در بند ۱۴ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز پیش‌بینی شده بنابراین رعایت تولید صیانتی شده جزئی از الزامات قانونی است که باید در تمامی قراردادهای نفتی ایران لحاظ شود. به همین دلیل است که یکی از وظایف هیئت عالی نظارت بر منابع نفتی در بند ۲ و ۳ ماده ۷ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰، نظارت بر رعایت تولید صیانتی در قراردادهای نفتی قرار داده شده.^{۱۵} به همین جهت هیئت وزیران با مدنظر قرار دادن چنین الزامی یکی از تکالیف و تعهدات پیمانکار در قراردادهای آی. پی. سی را رعایت تولید صیانتی همراه با به‌کارگیری روش‌ها و فناوری‌های پیشرفته به‌عنوان بخشی از تعهدات قراردادی قرار داده.^{۱۶} بنابراین الزام سرمایه‌گذار به رعایت تولید صیانتی در قراردادهای جدید لحاظ شده و از این حیث قرارداد منطبق با الزامات قانونی داخلی است.

۵- عدم تضمین بازگشت اصل سرمایه و سود

به‌صورت کلی هدف نهایی تمامی سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری در میدین نفتی کسب سود و منفعت است بنابراین سرمایه‌گذار در قدم نخست به دنبال بازگشت اصل سرمایه و پس از آن کسب سود از ماحصل فعالیت‌های انجام‌شده خود است. با توجه به ریسک بالایی که سرمایه‌گذاری در کشور دیگر دارد قاعدتاً پیمانکار به دنبال آن است تا با درج شرایط و تعهداتی در طرح‌های سرمایه‌گذاری تا حد ممکن تضمینی برای بازگشت اصل سود و سرمایه

۱۴. درخشان، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی»، ۱۱.

۱۵. نک: ماده ۴ قانون نفت اصلاحی سال ۱۳۹۰.

۱۶. بند ج ماده ۳ مصوبه: «تعهد طرف دوم قرارداد به برداشت صیانتی از مخازن نفت و گاز در طول دوره قرارداد با به‌کارگیری فناوری‌های نوین و پیشرفته و سرمایه‌گذاری‌های لازم از جمله اجرای طرح‌های بهبود یا افزایش ضریب بازیافت متناسب با پیچیدگی‌های میدان یا مخزن.»

خود داشته باشد. به عنوان مثال عموماً در طرح‌های سرمایه‌گذاری از طریق اوراق قرضه یا مشارکت نهاد سرمایه‌پذیر در تعهدی حداقلی، بازگشت اصل سرمایه را تضمین می‌کند. باین حال این موضوع در میداین و مخازن نفتی متفاوت است. با توجه به هزینه سنگین مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های نفتی و همچنین ریسک بالای عملیات نفتی، دولت‌ها عموماً حاضر نیستند تا بازگشت اصل سرمایه را تضمین کنند. چنین مسئله‌ای در حقوق ایران عملاً تبدیل به الزامی حقوقی شده است. در بند ۲ بخش ب ماده ۱۴ قانون چهارم توسعه، دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی از تضمین تعهدات ایجاد شده منع شده بودند، بعدها در بند ۳ ماده ۱۲۵ قانون پنجم توسعه همین الزام مورد تأیید دوباره قرار گرفت. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی با تقسیم‌بندی سرمایه‌گذاری خارجی به دو بخش سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه‌گذاری در چارچوب ترتیبات قراردادی، در بند ب ماده ۳ یکی از شروط حاکم بر سرمایه‌گذاری اخیر را عدم تضمین بازگشت اصل سرمایه و منافع حاصل از آن توسط دولت و بانک‌های دولتی تعیین می‌کند. با توجه به وجود چنین الزامی، مصوبه هیئت وزیران در مورد چارچوب قراردادهای نفتی نیز در بند ب ماده ۳ یکی از اصول حاکم بر قراردادهای آی. پی. سی را عدم تضمین تعهدات قراردادی توسط دولت، بانک‌های دولتی و بانک مرکزی تعیین می‌کند. بدین ترتیب بر مبنای قواعد حقوقی ایران تعهدات قراردادی پیمانکار نفتی و یا تعهدات کارفرمای ایرانی نمی‌تواند توسط نهادهای دولتی ایرانی تضمین شود،^{۱۷} امری که در قرارداد جدید نیز رعایت شده، مگر آنکه قانونگذار بعدها اجازه چنین موضوعی را جداگانه صادر کند.

۶- منوط کردن بازگشت اصل سرمایه از طریق اختصاص بخشی از تولیدات

تعیین شیوه و چگونگی بازگشت اصل سرمایه و سود پیمانکار یکی از مهم‌ترین بخش‌های مالی قراردادهای نفتی است. اساساً به نظر می‌رسد این نظام مالی^{۱۸} حاکم بر قراردادهای نفتی است که تمایزدهنده چارچوب اصلی قراردادهای نفتی از یکدیگرند، زیرا جز در نظام مالی حاکم بر قراردادها به نظر می‌رسد سایر بخش‌ها و قسمت‌های قراردادهای نفتی تفاوت و تمایز آن‌چنانی با یکدیگر نداشته باشند. در قراردادهای جدید ایران هزینه‌های نفتی به

۱۷. «عدم تضمین تعهدات ایجاد شده در قرارداد توسط دولت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک‌های

دولتی.»

هزینه‌های مستقیم، هزینه‌های غیرمستقیم، هزینه‌های تأمین مالی و هزینه‌های بهره‌برداری تقسیم شده است. در چارچوب الزامات حقوقی ایران، بازگشت اصل هزینه و همچنین منافع حاصل از سرمایه‌گذاری صرفاً باید از نتایج و ماحصل محصولات تولیدی همان میدان باشد و نمی‌توان این هزینه‌ها را از طرق دیگری استهلاک کرد. در بخش ۳ بند ب ماده ۱۴ برنامه چهارم توسعه دولت موظف بود تا در قراردادهای نفتی کلیه هزینه‌های پیمانکار را صرفاً از طریق اختصاص بخشی از تولیدات همان میدان مستهلک کند، بخش ۳ بند الف ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم نیز عیناً شروط و الزامات قانون چهارم را تأیید و لازم‌الاجرا کرد. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز در بند ب ماده ۳ بازگشت اصل سرمایه و سود در سرمایه‌گذاری از طریق ترتیبات قراردادی را لزوماً منوط به عملکرد همان طرح اقتصادی کرده که سرمایه‌گذار به آن ورود داشته. گرچه در قانون ششم توسعه اشاره‌ای به این موضوع نشده باین‌حال به نظر می‌رسد به‌منظور متمرکز کردن پیمانکار بر عملیات نفتی^{۱۹} این اصل به الزامی حقوقی در قراردادهای نفتی ایران تبدیل شده باشد به همین دلیل در بند پ ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران در مورد قراردادهای آی. پی. سی بازپرداخت کلیه هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌های تأمین مالی و هزینه‌های بهره‌برداری و همچنین پرداخت دستمزد پیمانکار، صرفاً از طریق اختصاص محصولات اضافی همان میدان و یا عواید حاصل از فروش محصولات تولیدی میدان صورت می‌گیرد و همان‌طور که پیشاپیش اشاره شد تشخیص این موضوع که طریقه بازپرداخت و استهلاک هزینه‌ها از چه طریقی باشد برعهده شرکت ملی نفت بوده و طرف خارجی ملزم به تبعیت از تصمیم اتخاذشده است. طبق مقرر بند پ ماده ۶ مصوبه، بازپرداخت هزینه‌ها از حداکثر پنجاه درصد تولیدات مخازن نفتی و در میادین گازی از حداکثر هفتادوپنج درصد تولیدات صورت می‌گیرد. البته یکی از نوآوری‌های قرارداد نفتی ایران پرداخت دستمزد به ازای مقیاس مشخصی از تولیدات است. بر مبنای مفاد مصوبه هیئت وزیران به هر مخزن بسته به شرایط آن ضریب ریسک متفاوتی اختصاص داده می‌شود،^{۲۰} هرچقدر شرایط میدان سخت‌تر باشد ضریب ریسک اختصاص یافته به آن مخزن بیشتر است در نتیجه به ازای هر بشکه نفت یا هر هزار فوت مترمکعب گاز تولیدی، پیمانکار مستحق دریافت مبلغی وجه می‌شود که یا به‌صورت نقد تحویل وی می‌شود و یا به‌صورت تحویل

۱۹. ابراهیمی، صادقی مقدم و سراج، «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، ۹.

۲۰. نک: بند پ ماده ۶ مصوبه هیئت وزیران.

محصول تهاتر می‌گردد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی چنین مشوقی مغایرتی با الزامات قانونی و حقوقی ایران نداشته باشد زیرا بازپرداخت اصل سرمایه پیمانکار همچنان از طریق اختصاص بخشی از تولیدات مخزن است. به این نکته نیز باید توجه داشت که اساساً در شرایط رقابتی با قراردادهای کشورهای رقیب، پیش‌بینی چنین مشوق‌هایی لازم به نظر می‌رسد زیرا قرارداد نفتی باید برای سرمایه‌گذار جذابیت و منفعت کافی جهت پذیرش ریسک را داشته باشد. اختصاص ریسک به مخازن و پرداخت پول به ازای تولید بیشتر می‌تواند در تشویق سرمایه‌گذار و همچنین جذاب کردن قرارداد نفتی ایران مؤثر باشد.

۷- رعایت حداقل سهم ایرانی

دولت‌ها با درک اهمیت حفظ استقلال و کاهش وابستگی به شرکت‌ها و دولت‌های خارجی به دنبال آن هستند تا با به‌کارگیری روش‌های مختلف، استقلال نفتی خود را حفظ کرده و مانع وابستگی کامل به طرف خارجی شوند. در نتیجه عموماً در قراردادها شروطی درج می‌کنند تا از طریق آن بتوانند فناوری و تکنولوژی را وارد کشور خود کرده و یا آنکه بخشی از درآمدهای حاصل از طرح‌های نفتی را در اختیار پیمانکاران داخلی قرار دهند. به‌عنوان مثال در قراردادهای خرید خدمت عراق، پیمانکار خارجی موظف است تا به میزان ۲۵ درصد با یک شرکت عراقی شریک شده و سهم این شرکت را نیز سرمایه‌گذار خارجی تأمین کند.^{۲۱}

به همین دلیل در قوانین داخلی ایران الزاماتی وجود دارد که از طریق آن پیمانکاران داخلی وارد چرخه فعالیت‌های نفتی شده و تکنولوژی و فناوری لازم را نیز دریافت کنند. یکی از این شروط حداقل سهم ایرانی یا حداقل سهم داخلی است. در سال ۱۳۷۵ قانونی در مجلس تحت عنوان «قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات» به تصویب رسید که نهادهای دولتی و عمومی^{۲۲} را موظف می‌کرد کلیه قراردادهای مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی خود را صرفاً با پیمانکاران داخلی منعقد کنند. باین حال اگر شرایط کار به نحوی بود که امکان واگذاری ۱۰۰٪ طرح به پیمانکاران

۲۱. شیروی، حقوق نفت و گاز، ۴۳۱.

۲۲. نک: ماده ۱.

داخلی مهیا نمی‌شد، اجازه واگذاری پروژه به طرف خارجی با این شرط که حداقل ۵۱ درصد از مجموع نیازهای طرح حتماً از پیمانکاران داخلی تأمین گردد، صادر شده بود.^{۲۳}

این قانون چندین سال قانون حاکم بود تا اینکه در سال ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی قانون جدیدی را با عنوان «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم» تصویب و جایگزین قانون پیشین می‌کند. این قانون نسبت به قانون سلف خود کامل‌تر بود و تعاریف دقیق‌تری را نسبت به موضوعات مختلف ارائه می‌دهد، به‌عنوان مثال شرکت‌های ایرانی، خارجی، ایرانی - خارجی، خارجی - ایرانی و ... تعریف می‌شوند. در این قانون، کار در داخل کشور «سهم ارزش فعالیت‌های مختلف اقتصادی بجز ارزش زمین، ساختمان و تأسیسات آن است که توسط طرف قرارداد به‌طور مستقیم یا از طریق شرکت اشخاص ثالث اعم از ایرانی یا خارجی در داخل کشور تولید یا اجرا می‌شود» تعریف شده است. ماده ۲ و ۴ این قانون با حذف الزام اولیه نهادهای دولتی به استفاده صددرصدی از پیمانکاران داخلی، این نهادها را ملزم می‌کند تا در تمامی قراردادهای خود حداقل ۵۱ درصد هر طرح و پروژه را به‌صورت کار در داخل انجام دهند. البته اگر تأمین این مسئله امکان‌پذیر نباشد با توافق بالاترین مقام اجرایی سازمان عمومی یا دولتی مربوطه و وزیر صنعت، معدن و تجارت، امکان تأمین کالا و خدمات موردنیاز از پیمانکاران خارجی مهیاست. طبیعتاً صنعت نفت و گاز نیز از این الزام مستثنا نیست به همین جهت مصوبه هیئت وزیران در مورد چارچوب قراردادهای نفتی در بند ب ماده ۴، شرکت خارجی طرف قرارداد را مکلف به رعایت الزام قانونی فوق‌الذکر کرده است. با این حال به‌واسطه اهمیت بالای میداین مشترک و رقابت جدی با کشورهای هم‌جوار و از آنجایی که هرگونه تعلل و تأخیر در بهره‌برداری از این میداین منتهی به خسارات فراوان به منافع ملی می‌شود، قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت این میداین را از شمول قانون «حداکثر ...» مستثنا کرده و تعیین میزان سهم ایرانی در قراردادهای منعقد در این بخش را منوط به صلاحدید و تعیین وزیر نفت کرده است. در واقع با توجه به آنکه رقبای هم‌جوار بر میداین مشترک متمرکز شده‌اند، تعلل یا ایجاد هر نوع محدودیت جدی در این میداین منتهی به برداشت بیشتر طرف خارجی و ضرر ایران خواهد شد لذا قانون میداین مشترک را از این الزام مستثنا کرده است.

۸- پذیرش ریسک عملیات نفتی توسط پیمانکار

به صورت کلی در قراردادهای نفتی سه مدل خطرپذیری وجود دارد، مدلی که در آن ریسک عدم موفقیت در فعالیت‌های نفتی کلاً برعهده سرمایه‌گذار است، مدلی که ریسک میان دولت صاحب مخزن و سرمایه‌گذار مشترک است و مدل آخر که در آن ریسک و مخاطرات کلاً برعهده دولت سرمایه‌پذیر است.^{۲۴} امروزه در عموم قراردادهای نفتی دولت‌ها به دنبال جذب سرمایه خارجی‌اند اما با توجه به اینکه عملیات نفتی هزینه‌های سنگینی به همراه دارند در پی آن هستند تا ریسک احتمالی فعالیت‌های نفتی را بر پیمانکار محول کنند تا کمترین میزان ریسک متوجه دولت سرمایه‌پذیر باشد در غیر این صورت تضمین بازپرداخت هزینه‌های نفتی از سوی دولت، سرمایه‌پذیری نیست بلکه نوعی سرمایه‌گذاری است که می‌تواند هزینه‌های زیادی برای دولت‌ها ایجاد کند. قانون نفت ۱۳۵۳ صراحتاً ریسک کلیه فعالیت‌های نفتی را برعهده پیمانکار قرار داده بود. ماده ۱۶ این قانون مقرر کرده بود: «صورتی که در پایان مرحله اکتشاف، کشف میدان تجاری در هیچ نقطه‌ای از ناحیه قرارداد به تحقق نپیوسته باشد قرارداد پیمانکاری خاتمه خواهد یافت و طرف قرارداد حق مطالبه و جوهی را که صرف هزینه‌های اکتشافی کرده است نخواهد داشت ...» بدین ترتیب در صورت عدم دستیابی به اهداف قراردادی، پیمانکار مستحق هیچ چیز نبود و هیچ وجهی به وی بازگردانده نمی‌شد حتی اصل سرمایه انجام شده. با این حال پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی و نیاز مبرم به سرمایه خارجی جهت کسب درآمد نفتی، در سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی به شرکت ملی نفت اجازه داده بود تا جهت فعالیت‌های خود وام دریافت کند و در سال بعد از آن نیز بانک مرکزی را مجاز کرده بود تا هزینه قراردادهایی را که شرکت ملی نفت منعقد می‌کند، تضمین کند. با این حال بعدها در سال ۱۳۷۲ فرم قراردادهای بیع متقابل تغییر می‌کند و ضمانت دولت ایران و بانک‌های دولتی از هزینه‌های مالی این قراردادها ممنوع می‌شود. بعدها بند ۴ ماده ۱۴ قانون چهارم توسعه و همچنین ماده ۱۲۵ قانون پنجم توسعه یکی از الزامات مهم قراردادهای نفتی را این گونه مقرر می‌کند که خطرات و ریسک عدم دستیابی اهداف قراردادی برعهده طرف دوم باشد. گرچه چنین مقرره‌ای در برنامه ششم توسعه پیش‌بینی نشده، اما به واسطه اهمیت چنین موضوعی و همچنین عرف امروزی قراردادهای نفتی به نظر می‌رسد این اصل از الزامات حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی ایران باشد. به همین دلیل بند

۲۴. ایران‌پور، تحلیل حقوقی قراردادهای نفتی، ۲۰.

ت ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران صراحتاً یکی از اصول چارچوب قراردادهای آی. پی. سی را این‌گونه مقرر کرده که کلیه مخاطرات و ریسک تمامی عملیات نفتی صرفاً برعهده طرف پیمانکار باشد و از این حیث مسئولیتی متوجه طرف ایرانی نباشد.^{۲۵}

۹- بررسی ورود پیمانکار به مرحله تولید

پس از قانون نفت ۱۳۵۳ ورود پیمانکار خارجی به مرحله تولید و بهره‌برداری به صراحت ماده ۱۴ ممنوع شد. طبق آن قانون هم‌زمان با آغاز مرحله تولید تجاری، پیمانکار موظف بود تا مخزن را در اختیار کارفرمای ایرانی قرار داده تا از آن مرحله به بعد شرکت ملی نفت ایران به‌تنهایی تولید و بهره‌برداری از مخزن را انجام دهد. این مدل قراردادی، نوعی قرارداد خدماتی ایجاد کرد که بعدها منشأ همان قراردادی شد که به‌واسطه خصوصیات خاص خود به بیع متقابل معروف شد. قراردادهای بیع متقابل در ابتدا صرفاً برای توسعه مخازن استفاده می‌شد، بعدها تغییر جدی در این قرارداد ایجاد شد و مرحله اکتشاف نیز به‌صورت توأمان به مرحله توسعه اضافه شد اما باز هم پیمانکار حق ورود به مرحله بهره‌برداری را نداشت. قانون نفت ۱۳۵۳ طبق ماده ۱۶ قانون نفت اصلاحی ۱۳۹۰ نسخ شده و از درجه اعتبار ساقط می‌شود بدون آنکه تکلیف ورود پیمانکار به مرحله تولید را مشخص کرده باشد. عده‌ای معتقدند اساساً ورود پیمانکار به مرحله تولید با توجه به مقرره حاصل از بند ج ماده ۳ قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴، مبنی بر ممنوعیت ورود اشخاص غیردولتی به بخش‌های دولتی، خلاف قانون است.^{۲۶} این در حالی است یکی از نوآوری‌های قراردادهای جدید نفتی ایران، پیش‌بینی ورود سرمایه‌گذار به مرحله تولید است که برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی به وقوع می‌پیوندد و شرکت‌های خارجی اکتشاف و تولید موظفند تا در زمان عقد قرارداد و شروع عملیات با یک شرکت ایرانی قرارداد مشارکتی منعقد کنند.^{۲۷}

بنابر ماده ۲ مصوبه قراردادهای نفتی در این نمونه قراردادها به سه دسته تقسیم می‌شوند، قراردادهایی که از مرحله اکتشاف شروع و در ادامه وارد مرحله توسعه شده و در نهایت منتهی

۲۵. کلیه مخاطرات، ریسک‌ها و هزینه‌ها در صورت عدم کشف میدان یا مخزن تجاری برعهده طرف دوم قرارداد می‌باشد. ریسک‌های عدم دستیابی به اهداف موردنظر قراردادی یا ناکافی بودن محصول میدان یا مخزن برای استهلاک تعهدات مالی ایجادشده برعهده طرف دوم قرارداد می‌باشد.

۲۶. سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌ها و بنگاه‌های مشمول گروه سه ماده (۲) این قانون منحصرأ در اختیار دولت است.

۲۷. نک: ماده ۴ مصوبه هیئت وزیران.

به تولید می‌شوند، دسته دوم قراردادهایی است که از مرحله توسعه شروع و به تولید منتهی می‌شوند و در نهایت دسته سوم که مربوط به عملیات بهبود و افزایش ضریب بازیافت از مخازن هستند. با تدقیق در مفاد و شرایط حاکم بر شکل ورود سرمایه‌گذار به مرحله تولید به نظر می‌رسد این موضوع تضادی با الزامات و قوانین داخلی ایران نداشته باشد. اول آنکه در هیچ‌کدام از قوانین فعلی ایران ورود پیمانکار به مرحله تولید منع نشده، مگر قانون نفت ۱۳۵۳ که بعدها این قانون صراحتاً نسخ می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد همان‌طور که پیمانکار می‌تواند وارد مرحله اکتشاف یا توسعه شود به همان ترتیب نیز می‌تواند وارد مرحله تولید شود و از این حیث دلیل و استناد قانونی برای منع وی وجود ندارد. از طرفی گرچه قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ بخش بالادستی را بخش دولتی می‌داند و هرگونه ورودی که منجر به «مدیریت و مالکیت» بخش خصوصی گردد را صراحتاً منع می‌کند اما با تدقیق در الزامات قراردادهای آی. پی. سی مشخص می‌شود که شرکت‌های خارجی صرفاً به‌عنوان پیمانکار وارد مرحله تولید می‌شوند و هیچ حق مالکیتی نداشته و مدیریتی نیز نسبت به مخازن یا عملیات نفتی اعمال نمی‌کنند، زیرا اولاً به تصریح بند ۸ ماده ۸ کلیه عملیات نفتی تحت نظارت کارگروه مشترک مدیریتی انجام می‌شود درحالی‌که تمامی تصمیمات این کارگروه باید به تأیید مقام صلاحیت‌دار در شرکت ملی نفت برسد. دوماً برنامه مالی سالانه که در واقع تعیین‌کننده چارچوب طرح‌های عملیاتی است به تصریح بند ۱ ماده ۱ مصوبه هیئت وزیران، باید به تأیید و تصویب کارفرمای ایرانی برسد و پس از آن است که اجرای آن برای پیمانکار خارجی الزامی می‌شود. از طرف دیگر لازم به ذکر است اساساً کلیه اقدامات و فعالیت‌های پیمانکار خارجی از ابتدا تا انتهای قرارداد و در تمامی مراحل عملیاتی به نام و برای کارفرمای ایرانی است^{۲۸} و از این حیث حقی متوجه پیمانکار نمی‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد ورود پیمانکار به مرحله تولید هیچ مغایرت و تضادی با الزامات قانونی کشورمان نداشته باشد، زیرا این ورود نه منجر به اعمال مالکیت می‌گردد و نه منجر به اعمال مدیریت و تسلط بر مخازن و میادین نفت و گازی کشورمان، مضافاً هیچ مقرره‌ای از حیث ممنوعیت این موضوع در قوانین داخلی وجود ندارد.

۱۰- الزامات زیست‌محیطی

عموماً فعالیت‌های نفتی بالاخص در سطح بالادستی آلودگی زیست‌محیطی به همراه دارند. به همین دلیل در بیشتر قراردادهای نفتی دولت‌ها با درج الزامات و شروط قراردادی به دنبال به حداقل رساندن آلودگی‌های زیست‌محیطی عملیات نفتی هستند. اصل پنجاه قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی تلقی کرده و فعالیت‌های اقتصادی که منجر به آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران آن شود را ممنوع کرده است. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست نیز هر عملی که منجر به آلودگی محیط‌زیست شود را ممنوع می‌کند. آیین‌نامه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی^{۲۹} نیز ترتیباتی را جهت مطالعه پیرامون اثرات زیست‌محیطی طرح‌های صنعتی پیش‌بینی و الزامی کرده. با توجه به اهمیت مباحث زیست‌محیطی، قراردادهای آی. پی. سی نیز الزاماتی را به منظور حفاظت از محیط‌زیست مقرر کرده. بند ح ماده ۳ مصوبه هیئت وزیران «انجام مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی و رعایت مقررات و ملاحظات ایمنی، بهداشتی، زیست‌محیطی و اجتماعی در اجرای طرح‌ها» را جزء تعهدات قراردادی سرمایه‌گذار خارجی قرار داده. به نظر می‌رسد منظور از ملاحظات اجتماعی، مطالعاتی پیرامون شیوه زندگی و درآمد افراد نزدیک به محیط پروژه، تنوع زیستی و ایمنی مردم ساکن در ناحیه عملیاتی،^{۳۰} مباحث امنیتی و اموری این‌چنین باشد. لذا در کل می‌توان نتیجه گرفت الزامات قانونی مربوط به حفاظت و مراقب از محیط‌زیست در قراردادهای آی. پی. سی لحاظ شده و سرمایه‌گذار خارجی مکلف به رعایت این الزامات در عملیات نفتی است.

نتیجه

قرارداد آی. پی. سی در شرایطی تصویب شد که به نظر می‌رسید قراردادهای بیع متقابل قابلیت رقابتی خود را از دست داده بودند. رویکرد این قرارداد جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، حفظ قابلیت رقابتی قراردادهای نفتی ایران با کشورهای رقیب، اولویت‌دهی به میادین و مخازن مشترک نفتی و ... است. با این حال مسئله مهم تطابق کامل این قرارداد با اصول و الزامات قانونی داخلی ایران است، مسئله‌ای که در زمان تدوین این قراردادها ذهن

۲۹. مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۰۳ - به شماره ۲۱۴۲۸- ت ۴۵۸۸۰ هیئت وزیران.

۳۰. نیکبخت و موسوی، «اصول و ساختار الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران»، ۵۰.

منتقدین را مشغول کرده بود. همان‌طور که بررسی شد قوانین و قواعد مختلفی در صنعت نفت و گاز ایران حاکم است، مسئله‌ای که به باور نگارنده به مصلحت صنعت نفت کشور نیست. وجود قوانین و الزامات حقوقی مختلف در این صنعت منجر به پیچیدگی و بی‌نظمی در تدوین قراردادها و همچنین سخت شدن روند تصمیم‌سازی در این صنعت می‌شود، موضوعی که به نظر می‌رسد باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد تا راه‌حل مناسبی نسبت به آن اتخاذ شود. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین شیوه برای حل این موضوع تصویب قانونی جامع در صنعت نفت و الغای سایر قوانین مرتبط باشد.

باین حال بنابر بررسی‌های این پژوهش به نظر می‌رسد مفاد و شروط قرارداد جدید تضاد و تناقضی با الزامات قانونی جاری و اصول حقوقی داخلی ایران نداشته و این قرارداد در تطابق کامل با الزامات قانونی ایران تدوین شده باشد. بدیهی است پژوهش فوق صرفاً نگاهی حقوقی داشته و از ورود به سایر عرصه‌ها همانند اقتصادی، مالی، بازرگانی و ... که خارج از تخصص و موضوع می‌باشد، خودداری کرده است.



فهرست منابع

- آیین‌نامه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۰۳ - به شماره ۲۱۴۲۸۷-ت ۴۵۸۸۰.
- ابراهیمی، سید نصرالله، محمدحسن صادقی‌مقدم و نرگس سراج. «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن». فصلنامه حقوق ۴۲ (۱۳۹۱): ۲۴۲-۲۴۳.
- امانی، مسعود. حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
- ایران‌پور، فرهاد. تحلیل حقوقی قراردادهای نفتی. چاپ اول. تهران: نشر رخ‌داد نو، ۱۳۹۳.
- درخشان، مسعود. «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی». مطالعات اقتصاد اسلامی ۱۲ (۱۳۹۳): ۵۲-۷.
- شیروی، عبدالحسین و فاطمه امین‌امجد. «سرمایه‌گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز». مجله حقوق خصوصی ۹ (۱۳۹۱): ۳۴-۵.
- شیروی، عبدالحسین. حقوق نفت و گاز. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- شیروی، عبدالحسین، نصرالله ابراهیمی و مجتبی اصغریان، مترجم. «اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل» مجله حقوق بین‌المللی ۴۱ (۱۳۸۸): ۲۶۲-۲۴۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم.
- قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات.
- قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست.
- قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴.
- قانون نفت ۱۳۵۳.
- قانون نفت اصلاحی سال ۱۳۹۰.
- قانون نفت مصوب ۱۳۶۶.
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت.

مصوبه شماره ۵۷۲۲۵/ت ۵۳۳۶۷ هـ هیئت وزیران در مورد شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت.

نیکبخت، حمیدرضا، سید حسن موسوی. «اصول و ساختار الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران». فصلنامه تحقیقات حقوقی ۱۸ (۱۳۹۴): ۳۵-۶۹.



Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 4

2019-4

- **The Respect for Competition Principle in Public Contracts**
Dr. Hasan Naemeh
- **State Terrorism: Supposition or Reality?!**
Navab Mohammadi Dehcheshmeh
- **Comparative Study of Predictability Damage Criterion in Iranian and England Laws**
Mohsen Jafari Behzadkalaee - Dr. Hamid Abhary
- **The Legal Requirements and Principles in New Iranian Petroleum Contracts (I.P.C)**
Mahdi Haghhighian - Dr. Alireza Ebrahimgol
- **The Iran's Rights to Orbital Points from the Point of View of International Law**
Farnaz Foroutanian Shahrabaki - Dr. Fatemeh Fathpour
- **The Status of Resolutions of the UN General Assembly among the Sources of International Law**
Jamshid Mazaheri
- **Legal Effects of African's Withdrawal from the International Criminal Court**
Mohammad Alipour
- **Penal Populist Reactions on Contrast of Violent Crimes in Iran**
Dr. Mohammad Bagher Moghaddasi - Dr. Mohammad Farajiha
- **Postponement of Sentences and it's Consequences**
Mohammad Javad Alizadeh Goudarzi - Dr. Abolfath Khaleghi
- **The Role of Biotechnology in Right to Food**
Seyedeh Kiana Banikamali
- **Cyber War Crimes**
Author: David P. Fidler - Translator: Amin Zahmatkesh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study